



Special measures of the public prosecutor's office to support children's victim (Case Study of Mashhad Shoghe Zendegi Complex)

Hamidreza Danesh Nari¹
Narjes Maleki²
Amir Khademi³

Received: 2023/10/14
Date of acceptance: 2023/12/20
Article Type: Research

Abstract

Field and Aims: Considering that the findings of supportive victimology have proven that victimized children need special support due to reasons such as vulnerability and special physical and psychological characteristics, the General and Revolutionary public prosecutor's office of the 5th District of Mashhad, under the name of Shoghe Zendegi Complex, is aligned with supportive victimology studies. It has adopted special measures to support the victimized children.

Method: The current research is qualitative in terms of method. Three cases have been purposefully selected and examined by thematic analysis method to explain the procedures of Shoghe Zendegi complex in supporting the victimized children. In this way, after collecting and studying the data through the files and categorizing them, different codes are categorized in the form of different themes based on the diagram of the process of child abuse of the Shoghe Zendegi Complex, and after drawing the networks of themes, refining the themes.

Findings: The findings of the research show that the Shoghe Zendegi Complex supports children in the four domains of security, treatment, economic and justice. In the studied cases, security protection is done in the form of separating the place of life of the victim from the accused and protecting him from the threats of the criminal through transfer to welfare, transfer to boarding school and transfer to a safe house. Treatment interventions are carried out in two sections: medical and emotional support, with transfer to the hospital and drug therapy, holding numerous counseling, psychological and psychiatric sessions, as well as referrals to non-governmental institutions based in the complex. Financial aid to pay the necessary expenses, donating money to buy goods and providing a job for the child's guardian are the most important effects of economic intervention. Judicial protection is also done as the fourth form of protective intervention, in the form of temporarily prohibiting the child from visiting the accused, appointing a lawyer for the victim and announcing the crime against the accused.

Conclusions: It can be said that the support measures taken in the Shoghe Zendegi complex in the form of security, therapeutic, economic and judicial interventions with a focus on collaborative criminal policy in some cases go beyond the support models proposed in the support criminology.

Keywords: Shoghe Zendegi Complex, Victimized Children, Therapeutic Support, Judicial Support.

*Citation (APA): Maleki, N.; Danesh Nari, H.; Khademi, A. (2023). Special measures of the public prosecutor's office to support Badly supervised children (Study case of Mashhad Shoghe Zendegi Complex). *Police Criminological Researches*, 4(13), 131-155.
http://cr.jrl.police.ir/article_102677.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author). Email: Daneshnari@um.ac.ir
2. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: N.maleki@mail.um.ac.ir
3. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: Amir.khademi@mail.um.ac.ir





تدابیر ویژه دادسرا در حمایت از کودکان بزه‌دیده (مورد مطالعه مجتمع شوق زندگی مشهد)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

حمیدرضا دانش ناری^۱✉

نرجس ملکی^۲

امیر خادمی^۳

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به آن که یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی ثابت کرده است که کودکان بزه‌دیده به دلایلی چون آسیب‌پذیری و ویژگی‌های خاص جسمانی و روانی نیازمند حمایت‌های خاص هستند، دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ مشهد با نام مجتمع شوق زندگی، هم‌سو با مطالعات بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تدابیر ویژه‌ای را برای حمایت از کودکان بزه‌دیده اتخاذ کرده است.

روش: پژوهش حاضر به‌لحاظ روش، کیفی است. سه پرونده به‌طور هدفمند انتخاب و جهت تبیین رویه‌های مجتمع شوق زندگی در حمایت از کودکان بزه‌دیده، به روش تحلیل مضمون بررسی شده‌اند؛ بدین صورت که پس از گردآوری و مطالعه داده‌ها از خلال پرونده‌ها و دسته‌بندی آن‌ها، کدهای مختلف در قالب مضامین متفاوت بر اساس نمودار فرآیند کودک‌آزاری مجتمع شوق زندگی دسته‌بندی شده و پس از ترسیم شبکه‌های مضامین، پالایش مضامین صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مجتمع شوق زندگی در چهار قلمروی امنیتی، درمانی، اقتصادی و قضایی از کودکان حمایت می‌کند. در پرونده‌های مورد مطالعه، حمایت‌های امنیتی به‌صورت جداسازی مکان زندگی بزه‌دیده از متهم و حفاظت از وی در برابر تهدیدات بزهکار از طریق انتقال به بهزیستی، انتقال به مدرسه شبانه‌روزی و انتقال به خانه امن انجام می‌شود. مداخلات درمانی در دو بخش حمایت پزشکی و عاطفی با انتقال به بیمارستان و دارودرمانی، برگزاری جلسات متعدد مشاوره، روان‌شناسی و روان‌پزشکی و همچنین، ارجاع به مؤسسات مردم‌نهاد مستقر در مجتمع صورت می‌پذیرد. کمک‌های مالی برای پرداخت هزینه‌های لازم، اهدای بن خرید کالا و تأمین شغل برای سرپرست کودک مهم‌ترین جلوه‌های مداخله اقتصادی است. حمایت‌های قضایی نیز به‌عنوان چهارمین شکل مداخله حمایتی، در قالب منع ملاقات موقت کودک با متهم، تعیین و کیل برای بزه‌دیده و اعلام جرم علیه متهم انجام می‌شود.

نتایج: می‌توان گفت که اقدامات حمایتی صورت گرفته در مجتمع شوق زندگی در قالب مداخلات امنیتی، درمانی، اقتصادی و قضایی با تمرکز بر سیاست جنایی مشارکتی در برخی موارد فراتر از الگوهای حمایتی مطرح‌شده در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است.

کلیدواژه‌ها: مجتمع شوق زندگی، کودکان بزه‌دیده، حمایت درمانی، حمایت قضایی.

*استناددهی (APA): دانش ناری، حمیدرضا؛ ملکی، نرجس؛ خادمی، امیر. (۱۴۰۲). تدابیر ویژه دادسرا در حمایت از کودکان بزه‌دیده (مورد مطالعه مجتمع شوق زندگی مشهد). پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ۱۳۱-۱۵۵.

http://cr.jrl.police.ir/article_I02677.html

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: Daneshnari@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: N.maleki@mail.um.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: Amir.khademi@mail.um.ac.ir





مقدمه

در نوشتگان علوم جنایی، برجسته‌ترین تعبیری که به منزله یک اصطلاح فنی درباره بزه‌دیدگی کودکان به کار می‌رود، بدرفتاری با کودک یا کودک‌آزاری^۱ است. کودک‌آزاری عبارت است از آسیب رساندن بدنی، روانی یا عاطفی عمدی یا از روی غفلت به یک کودک، به ویژه به شکل بدرفتاری یا سوءاستفاده جنسی. این واژه اغلب در مواردی به کار برده می‌شود که یک بزرگسال رفتاری غیرانسانی و خشونت‌آمیز علیه یک کودک از خود نشان می‌دهد (گارنر^۲، ۲۰۰۴: ۱۰). با وجود رشد انواع مختلف کودک‌آزاری، در دهه ۱۹۷۰ میلادی، جامعه بین‌المللی متوجه این نکته شد که بخش زیادی از کودکان، مورد استثمار و آزار جنسی قرار می‌گیرند (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۷). مسأله مهمی که پس از وقوع جرم جنسی علیه کودکان و نوجوانان وجود دارد، آثار جسمی و روحی ناشی از آن است. اثرات آزار جنسی بر روی کودک تا ماه‌ها یا حتی سال‌ها باقی می‌ماند و در صورت عدم توجه و بی‌اهمیتی به آن، بازگشت کودک به وضعیت سابق را با مشکل جدی روبه‌رو می‌سازد. از آنجا که بزه‌دیدگان برای کاهش لطمات واردشده ناشی از جرم نیازمند حمایت‌های کنشگران دستگاه عدالت کیفری می‌باشند (محمدی مقدم، داداش نژاد، براتی و حسنی، ۱۴۰۲: ۳۲)، برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار، قلمروی مطالعاتی بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی به دنبال حمایت‌های مادی و معنوی از بزه‌دیده است و انواع مختلفی از حمایت‌ها را در شرایط گوناگون نسبت به بزه‌دیدگان پیشنهاد می‌کند. (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۱۶)

به طور کلی، هدف از بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی، حمایت‌های مالی، عاطفی، حیثیتی، پزشکی و اجتماعی از بزه‌دیدگان و تأمین حقوق، خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها توسط جامعه و نظام عدالت کیفری است. با این حال، کودکان و نوجوانان به علت شرایط سنی خاص و ویژگی‌های جسمی و روانی از حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های بزه‌دیدگان به شمار می‌روند و از این رو، نیازمند حمایت‌های خاص هستند. تجارب بسیاری از کشورهای جهان نشان داده است که یکی از راه‌های موثر برای رفع نیازهای متعدد بزه‌دیدگان کودک و نوجوان، ایجاد برنامه‌هایی است که حمایت اجتماعی، روانی، عاطفی و مالی را برای آن‌ها فراهم می‌کند (مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم^۳، ۱۹۹۹: ۴).

با وجود آن که کودکان و نوجوانان بزه‌دیده تا مدت‌ها در فرایند عدالت کیفری مورد غفلت واقع شده بودند، اما دستاوردهای سیاست جنایی افتراقی و بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی موجب شد تا رویکرد حمایتی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌دیده مدنظر قرار گیرد (صبوری پور و موسوی، ۱۴۰۲: ۱۱). در این دوره، «تحولات اجتماعی و فرهنگی، از یک سو و یافته‌های جرم‌شناسی بالینی،

1- Child abuse

2- Garner

3- Centre for International Crime Prevention



آموزه دفاع اجتماعی نوین، آورده‌های حقوق بشری اسناد بین‌المللی و تحولات کمی و کیفی بزهدیدگی» (ابراهیمی، ۱۴۰۲: ۱۸۳) از سوی دیگر، منجر به توجه بیش‌تر به حقوق کودکان و نوجوانان بزهدیده شد. بدین‌سان، در راستای نیل به اهداف سیاست جنایی افتراقی در حوزه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان و حمایت هرچه بیش‌تر از کودکان بزهدیده، دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ مشهد با نام «مجتمع شناسایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی» یا «مجتمع شوق زندگی» تأسیس شده است. این دادسرا در راستای اجرای برنامه تحول و تعالی در دستگاه قضایی با اتخاذ رویکرد ایجاد تغییر اساسی در نوع نگرش و فعالیت در حوزه سرپرستی (صغار و محجورین) و با بهره‌گیری از ظرفیت کلیه دستگاه‌های متولی امر در حوزه کودکان و زنان آسیب‌دیده، تحت عنوان «مجتمع شوق زندگی» استقرار یافته است. با توجه به آن‌که مجتمع شوق زندگی، اولین مجتمع تخصصی در حوزه بزهدیدگی کودکان و نوجوانان و الگوی مناسب در کاربست مفاهیم و آموزه‌های بزهدیده‌شناسی حمایتی است، پژوهش حاضر درصدد است تا مداخلات حمایتی این مجتمع را در قبال کودکان قربانی تجاوز در سه پرونده مهم بررسی کند. بدین ترتیب، در این پژوهش، پس از پیشینه و مبانی نظری، روش‌شناسی تحقیق ارائه و سپس، انواع حمایت‌های صورت گرفته از سوی مجتمع در پرونده‌های مدنظر بررسی می‌شود.

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

باقری، عظیم زاده، مهرا و مهدوی ثابت (۱۴۰۲) در پژوهش خود تحت‌عنوان «**ضرورت حمایت حداکثری از بزهدیدگان جنسی زیر ۱۸ سال و چالش‌های ناظر بر آن با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹**»، ضمن بازنمایی و ارزیابی سازوکارها و جلوه‌های نظام عدالت کیفری ایران در برابر بزهدیدگان جنسی زیر ۱۸ سال، تدابیر حمایت‌گرانه‌ای که واجد آثار مثبت حداکثری باشد را در الگویی از سیاست جنایی ارائه دادند. در همین راستا، در نهایت، پیشنهاداتی را در جهت بهبود فرایند حمایت از کودکان و نوجوانان بزهدیده جنسی ارائه می‌دهد که از جمله این پیشنهادات، توجه به نیازهای ایمنی آسیب‌دیده در طول فرایند اجرای برنامه‌های ترمیمی است.

میرکمالی و سروی سرمدانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «**نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از بزهدیدگان با تأکید بر کودکان بزهدیده**»، به بررسی حمایت‌های پزشکی - اجتماعی و حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در موارد بزهدیدگی کودکان و نوجوانان می‌پردازد. پژوهش حاضر در دو مبحث حمایت‌های پزشکی و اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد از بزهدیدگان

فصلنامه علمی پژوهش‌های شناخت‌پژیش جرم‌شناختی



و حمایت‌های حقوقی و قضایی این سازمان‌ها مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری را بررسی می‌کند.

خدادی و افتخار (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «**بازتوانی بزهدیده در پرتو بزهدیده‌شناسی بالینی**»، چارچوب مفهومی و مراحل بزهدیده‌شناسی بالینی را تبیین کردند و در نهایت، با استفاده از دانش پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی، انواع تدابیر حمایت روانی و عاطفی برای کاهش آسیب‌های بزهدیده را ارائه می‌دهند.

الارد و کمپبل^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت‌عنوان «**ارتقای حمایت از قربانیان جرم: بینش‌های رویه‌ای کلیدی**»، خدمات جامع برای قربانیان جنایت در ایالت ویکتوریا استرالیا را بررسی کردند. این پژوهش، مصاحبه‌های عمیق با ۳۷ نفر از قربانیان جرم را انجام داد و به این نتیجه رسید که قربانیان جرم نیازها و تجربیات متفاوتی دارند که رویکردهای حمایتی باید این نیازها را مورد توجه قرار دهد.

کاشمور و شکل^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «**تفاوت‌های جنسیتی در زمینه و پیامدهای سوءاستفاده جنسی از کودکان**»، پیامدهای سوءاستفاده جنسی برای قربانیان مذکر و مؤنث را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای «توسعه راهبردهای اتخاذی به‌منظور محافظت، پیشگیری و حمایت از قربانیان کمک‌کننده باشد».

باید اذعان داشت که پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیشین از دو زاویه متمایز است. نخست، از نقطه‌نظر موضوع؛ پژوهش پیش‌رو به‌واسطه تأکید بر بزهدیدگی جنسی، دارای نوآوری است. دوم، از لحاظ روش‌شناسی؛ پژوهش حاضر به‌واسطه مطالعه پرونده‌های بزهدیدگی نسبت به پژوهش‌های پیشین متمایز است.

مبانی نظری

بزهدیده‌شناسی حمایتی

بزهدیده‌شناسی، شاخه‌ای از جرم‌شناسی جدید است که با هدف تبیین و تحلیل نقش و سهم بزهدیده در تکوین جرم و رابطه‌اش با بزه‌کار، پا به عرصه علوم جنایی گذاشته است. بزهدیده‌شناسی از جمله شاخه‌های نوپدید جرم‌شناسی است که با کاربرد یافته‌های الگوی عدالت ترمیمی، سهم و نقش بزهدیده در تکوین پدیده جنایی، چرایی بزهدیدگی و در نهایت، راهکارهای مواجهه مؤثر با بزهدیدگی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در بزهدیده‌شناسی حمایتی به عنوان شکل جدید مطالعات بزهدیده‌شناسی، به رابطه و تعامل میان بزه‌کار و بزهدیده پس از وقوع جرم توجه

1- Ellard & Campbell

2- Cashmore & Shackel



می‌شود. در این راستا، می‌توان از «ناگل»^۱ هلندی نام برد که در کنار بزه‌دیده‌شناسی جنایی، بخش مهم دیگری را تحت عنوان بزه‌دیده‌شناسی دومین و یا حمایتی معرفی می‌کند. به طور کلی، هدف از این نوع بزه‌دیده‌شناسی، پیشگیری از بزه‌دیدگی از طریق حمایت‌های مالی، عاطفی، حیثیتی، پزشکی و اجتماعی از بزه‌دیدگان و تأمین حقوق، خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها توسط جامعه و به‌خصوص، نظام عدالت جزایی است (بکت و وارینگتون^۲، ۲۰۱۴: ۵).

آزار جنسی کودکان

منظور از آزار جنسی کودکان^۳ به عنوان شدیدترین شکل کودک‌آزاری، به کارگیری، استفاده یا واداشتن کودک به درگیر شدن با هرگونه رفتار جنسی یا نمایش رفتارهای جنسی، تجاوز، تماس جنسی، فحشا و هرگونه بهره‌برداری جنسی از کودکان جهت کسب لذت و ارضای میل جنسی است (آبروشن، ۱۳۸۴: ۳۵). آزار جنسی معمولاً توسط افراد خانواده و نزدیکان و آشنایان و به‌ندرت توسط افراد بیگانه صورت می‌پذیرد. بر این اساس، برجسته‌ترین شکل‌های کودک‌آزاری، رفتارهایی است که از جانب یکی از والدین، خواهر یا برادر^۴، پرستاران کودک، کارکنان مدرسه یا همسایه‌ها که در ظاهر افرادی قابل‌اعتماد محسوب می‌شوند، رخ می‌دهد. بدین‌سان، اشکال خشونت جنسی علیه کودکان نه تنها توسط محیط خانواده دفع نمی‌شود، بلکه در محیط خانواده نیز رخ می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، ۶۸ درصد مرتکبان کودک‌آزاری جنسی با اطفال آشنا هستند و در ۳۴ درصد موارد، خشونت جنسی توسط یکی از والدین انجام می‌شود (الیاس^۵، ۲۰۲۲: ۲۸۷).

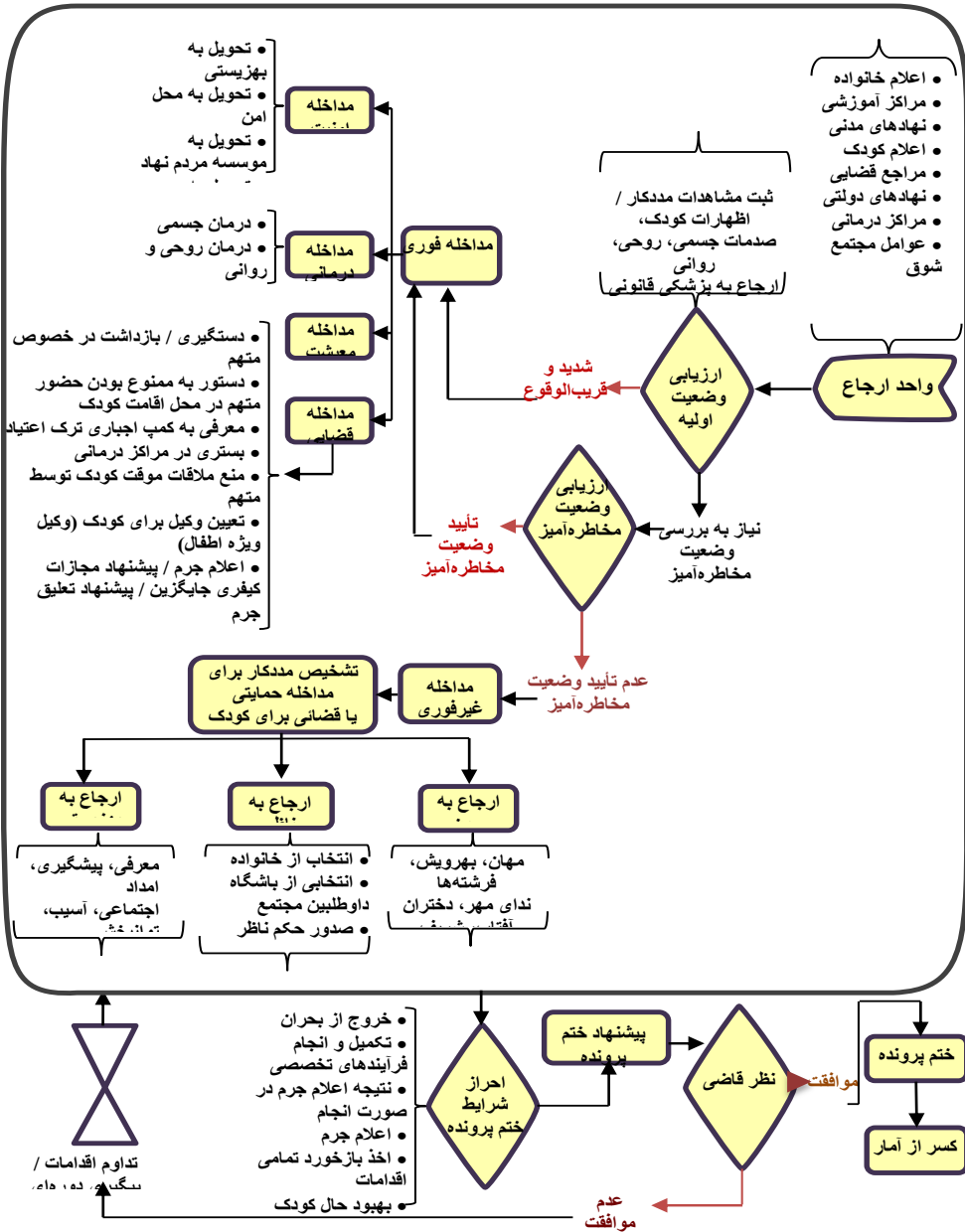
فرایند رسیدگی به کودک‌آزاری در مجتمع شوق زندگی

مجتمع شوق زندگی در شرح برنامه‌ها و فرآیندهای رسیدگی به موضوعات مورد رسیدگی، بروشوری را تدوین کرده و یک بخش را به تبیین فرایند کودک‌آزاری اختصاص داده است.

علم
پژوهش‌های
شناخت‌پژویی
جرم

1- Nagel
2- Beckett & Warrington
3- Sexual child abuse
4- Sexual sibling abuse
5- Ilyasa

تصویر ۱ - نمودار فرایند رسیدگی به کودک آزاری



روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل مضمون است. تحلیل یافته‌ها در روش تحلیل مضمون از مراحل مختلفی تشکیل شده است. در مرحله نخست، پژوهشگر از رهگذر مطالعه عمیق و چندباره داده‌ها با عمق و غنای محتوی آن‌ها آشنا می‌شود و ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها

نویسنده: حمیدرضا دانش ناری، نرجس ملکی، امیر خادمی

فصلنامه علمی پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس



در نزد پژوهش‌گر به وجود می‌آید. در مرحله دوم، پس از شناخت داده‌ها، نوبت به کدگذاری آن‌ها می‌رسد. در این گام، کدگذاری جهت تقسیم داده‌ها به قسمت‌های مختلف استفاده می‌شود. در مرحله سوم، کدها تجزیه و تحلیل و کدهای مختلف در قالب مضامین متفاوت دسته‌بندی می‌شوند. پس از شناخت مضامین و دسته‌بندی کدها، نوبت به مرحله پالایش مضامین می‌رسد. در این مرحله، برخی از مضامین به واسطه دلایلی مانند عدم وجود داده‌های کافی یا داده‌های متنوع از ردیف مضامین حذف می‌شوند و در نهایت، پژوهشگر به شبکه‌ای از مضامین رضایت‌بخش دست پیدا می‌کند. در گام پنجم، شبکه مضامین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. تحلیل این شبکه‌ها کمک می‌کند تا پژوهشگر به درکی عمیق از داده‌ها دست یابد. در گام ششم و آخر، به منظور تحلیل مضامین، مفاهیم و الگوهای موجود در متن، از استنتاج‌های همه شبکه‌ها به همراه نظریه‌های مرتبط با آن‌ها استفاده می‌شود (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۹-۱۸۳).

بر همین اساس، در این پژوهش، پس از گردآوری و مطالعه داده‌ها از خلال سه پرونده انتخاب شده و دسته‌بندی آن‌ها، کدهای مختلف در قالب مضامین متفاوت بر اساس نمودار فرآیند کودک آزاری مجتمع شوق زندگی (تصویر شماره ۱) دسته‌بندی شد. پس از ترسیم شبکه‌های مضامین، پالایش مضامین صورت گرفت. بدین ترتیب، مضامین پژوهش حاضر در دو دسته کلی اقدامات پیش از مداخله شامل مرحله «اعلام بزه‌دیدگی» و «ارزیابی وضعیت اولیه» و اقدامات مداخله‌محور/ ثانویه شامل «مداخلات امنیتی، درمانی، معیشتی و قضایی» تقسیم شدند. پس از این مرحله، هر یک از مضامین از رهگذر تطبیق با داده‌های موجود در علم بزه‌دیده‌شناسی حمایتی تحلیل شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

در این قسمت، مهم‌ترین یافته‌های توصیفی و مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی در پرونده‌های مورد مطالعه مطرح می‌شوند.

فصلنامه
پژوهش‌های
شناخت‌پژویی
جرم‌شناختی



جدول ۱- متغیرهای دموگرافیک پرونده‌های مورد مطالعه

مشخصات پرونده	سن بزه‌دیده	سن در زمان ارتکاب جرم	جنسیت بزه‌دیده	موضوع جرم	مشخصات پدر	مشخصات مادر	مشخصات مرتکب
شماره ۱	۱۶	۱۴	خانم	تجاوز	راننده، دیپلم، ۳۶ سال	مطلقه، سیکل، ۳۱ سال	پدر، راننده، دیپلم، ۳۶ سال
شماره ۲	۲۰	۱۷	خانم	تجاوز	بازنشسته، معتاد، دیپلم، ۵۹ سال	خانه‌دار، سیکل، ۴۸ سال	برادر ناتنی، معتاد، ۲۹ سال
شماره ۳	۱۴	۱۳	خانم	تجاوز	بیکار، معتاد، سیکل، ۵۱ سال	کارگر خدمات نظافتی، سیکل، ۳۴ سال	برادر ناتنی، معتاد، ۲۱ سال

یافته‌های استنباطی

با توجه به شبکه‌های مضامین به‌دست آمده در این پژوهش، یافته‌های استنباطی پژوهش در دو قالب اقدامات پیش از مداخله و اقدامات مداخله‌محور تحلیل می‌شوند.

اقدامات پیش از مداخله در فرایند بزه‌دیدگی

نخستین مرحله در فرایند حمایت از بزه‌دیدگان کودک و نوجوانان در مجتمع شوق زندگی بر اساس تصویر شماره یک «ارجاع» یا گزارش بزه‌دیدگی است. واحدهای ارجاع در مجتمع شوق زندگی عبارتند از نهاد خانواده، مراکز آموزشی، نهادهای مدنی، اعلام کودک، مراجع قضایی، نهادهای دولتی، مراکز درمانی و عوامل مجتمع شوق زندگی. مرحله کشف جرم به‌عنوان اولین گام در فرایند دادرسی کیفری بسیار مهم و حیاتی است. در حقیقت، کشف جرم مقدم بر تمام اقدامات بعدی نظام عدالت کیفری به‌ویژه مجازات بزهکار، بازتولید امنیت در جامعه، تحقق پیشگیری از ارتکاب جرم، حمایت و جبران خسارت بزه‌دیده و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه است. بنابراین، می‌توان گفت تحقق تمام اقدامات مذکور مستلزم آن است که جرم ارتكابی در وهله نخست کشف شود. یکی از شیوه‌های اصلی در کشف جرم، گزارش‌های بزه‌دیدگان است. بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها، حدود ۹۵ درصد از تمام جرایم ثبت‌شده در سامانه پلیس توسط



بزهدیدگان گزارش شده‌اند (بنت و ویگانده، ۱۹۹۴: ۱۳۵).

با این حال، در خصوص بزهدیده کودک و نوجوان، وی کمتر جرم ارتكابی علیه خویش را افشا می‌کند. این موضوع دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد، از جمله آن که بسیاری از کودکان و نوجوانان از راه‌های گزارش جرم اطلاع ندارند و حتی واقف بر این موضوع نیز نیستند که رفتار ارتكابی علیه آن‌ها بر طبق قانون جرم تلقی می‌شود یا خیر؟ (رایجیان اصلی و رزاقی موسوی، ۱۴۰۰: ۱۶۰). به علاوه، بسیاری از کودکان و نوجوانان ممکن است نسبت به اعلام بزهدیدگی خود احساس ترس کنند (بکت و وارینگتون، ۲۰۱۴: ۵). یا خود را در تحقق جرم سرزنش کنند و به همین دلیل، از گزارش جرم خودداری کنند. ارتباط مستمر بزهدیده با اعضای خانواده و وابستگی وی به آن‌ها موجب می‌شود تا خانواده نقش مهمی را در فرایند گزارش‌دهی و کشف بزهدیدگی ایفا نماید. با این حال، در مواردی نیز ممکن است خانواده دچار وارونگی نقش شود. در این حالت، خانواده نه تنها بزهدیدگی را گزارش نمی‌کند، بلکه سعی می‌نماید تا بر آن سرپوش گذارد. در این خصوص، مسائل مختلفی از جمله «حیثیت» و «حفظ آبرو» در جامعه ایران می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر گزارش یا عدم گزارش جرم بگذارد.

از دیگر مراجع و نهادهایی که می‌توان در فرایند کشف بزهدیدگی به آن‌ها اشاره کرد، مراجع انتظامی و قضایی هستند. کشف بزهدیدگی در این مراجع بیشتر مواقع منوط به اعلام قبلی از جانب بزهدیده، خانواده وی یا سایر افراد است و به ندرت اتفاق می‌افتد که مراجع مذکور رأساً بزهدیدگی کودکان و نوجوانان را کشف کنند. با این حال، در برخی موارد، بزهدیده به واسطه ترس از مراجع انتظامی ممکن است از گزارش بزهدیدگی خودداری کند. این امر موجب شده تا مجتمع شوق زندگی از دیگر نهادها مانند نهادهای آموزشی، مراکز درمانی، نهادهای دولتی و به ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، در فرایند کشف بزهدیدگی کودکان و نوجوانان کمک گیرد.

در خصوص پرونده‌های مدنظر این پژوهش، گزارش بزهدیدگی در پرونده شماره ۱ از طرف مادر بزهدیده، در پرونده شماره ۲ از طریق دایی خواننده بزهدیده و در پرونده شماره ۳ از رهگذر اعلام مراکز درمانی صورت پذیرفته است. با وجود آن که در پرونده شماره ۱ و ۲، اعضای خانواده جرم را گزارش کرده‌اند، اما در پرونده شماره ۳ که بزهدیدگی از طریق گزارش مراکز درمانی اعلام شده بود، وضعیت متفاوت است. در این پرونده، پدر بزهدیده اظهار داشت که فرزند خویش را به بیابان می‌برد و ابتدا، نوزاد و سپس، دخترش را دفن خواهد کرد. تهدید صورت گرفته از سمت پدر بزهدیده و مورد ضرب و شتم قرار دادن بزهدیده و همچنین، مادر وی، آشکار می‌کند

علم
پژوهش‌های
شناخت‌پسین
جرم



که در پرونده‌های تجاوز جنسی نسبت به کودکان و نوجوانان، خانواده همواره نقش حمایتی را ایفا نمی‌کند و ممکن است از طریق تهدید مانع از گزارش بزه‌دیدگی شود. بنابراین، آشکار می‌شود که علاوه بر نهاد خانواده، بهره‌گیری از ظرفیت سایر نهادها و سازمان‌ها نیز در فرایند کشف بزه‌دیدگی امری ضروری تلقی می‌شود. در پرونده شماره ۲، دایمی خوانده بزه‌دیده، جرم را ابتدا، به سامانه ۱۲۳ اطلاع می‌دهد و سپس، از طریق سامانه مذکور، پرونده به مجتمع شوق زندگی ارجاع می‌شود. سامانه ۱۲۳ یا اورژانس اجتماعی که زیر نظر سازمان بهزیستی مشغول به فعالیت است، از یک سو، رویکرد حمایتی از کودکان قربانی جرایم جنسی را تبیین می‌کند و از سوی دیگر، نقش نهادهای دولتی را در فرایند کشف جرم روشن می‌سازد.

اقدامات مداخله‌محور

پس از ارزیابی وضعیت اولیه کودک یا نوجوان توسط مددکاران مجتمع شوق زندگی، نوبت به مرحله اقدامات مداخله‌محور در پرونده می‌رسد که این اقدامات در دو دسته مداخلات فوری و غیرفوری قرار می‌گیرند. با توجه به شرایط خاص حاکم بر پرونده‌های مورد مطالعه، مددکاران مجتمع، وضعیت شدید و قریب‌الوقوع را در مورد این سه پرونده تأیید کردند. بدین ترتیب، در پرونده‌های مورد مطالعه، راهبردهای حمایتی مجتمع شوق زندگی در چارچوب حمایت‌های امنیتی، درمانی، اقتصادی و قضایی مدنظر قرار گرفت.

مداخلات امنیتی

در پرونده شماره ۱، بزه‌دیده که تحت حضانت پدر قرار داشته و نزد او زندگی می‌کند، چندین بار از سمت پدر مورد تجاوز قرار گرفته است. او به دلیل ارتکاب تجاوز دچار افت شدید درسی می‌شود و به دلیل افسردگی، دو بار اقدام به خودکشی می‌کند. با وجود این، بزه‌دیده به دلیل ترس از پدر، وقایع رخ داده را از سایرین مخفی می‌کند. وی پس از گذشت چند سال از اولین تجاوز، از منزل پدر فرار و نزد مادر خود می‌رود. در نهایت، با وجود نگرانی از ورود آسیب از ناحیه پدر، پس از یازده ماه، اعلام جرم از سمت مادر صورت می‌گیرد. اقدامات مددکاران مجتمع شوق زندگی، سه روز بعد از مراجعه مادر به دادسرا شروع می‌شود. پس از آنکه از مادر و بزه‌دیده برای حضور در واحد مددکاری مجتمع جهت مشاوره و ویزیت شدن توسط روانپزشک دعوت می‌شود و آن‌ها از حضور امتناع می‌کنند، کنش‌گران واحد مددکاری به درب منزل آن‌ها رجوع می‌کنند تا از نزدیک شرایط زندگی آن‌ها را ببینند و با بزه‌دیده و مادر صحبت کنند. طبق اظهارات بزه‌دیده، وی توسط مادر نیز مورد آزار جسمی واقع شده بود و به همین دلیل، تمایل به زندگی با مادر را نیز نداشت. بنابراین، مددکار برای تأمین امنیت بزه‌دیده و محافظت از او، چه در برابر متهم (پدر) و چه در برابر مادر، خواستار پذیرش و انتقال او به بهزیستی می‌شود.



در پرونده شماره ۲ نیز بزه‌دیده از طرف یکی از اعضای خانواده، یعنی برادرخوانده مورد تجاوز قرار می‌گیرد. بزه‌دیده که دختری ۱۷ ساله است، در واحد مددکاری اظهار می‌کند: «پدرم دارای دو همسر است که ما همه با هم در یک خانه زندگی می‌کنیم. برادرخوانده‌ام به من علاقه‌مند بود و می‌خواست با من ازدواج کند. او ۳ بار من را مورد ضرب و شتم و سپس، مورد تجاوز قرار داد. حتی هنگامی که مادر به این امر اعتراض کرد، او را نیز کتک زد». بر اساس اظهارات بزه‌دیده و مشاهدات و بررسی‌های مرکز بهزیستی، مجتمع شوق زندگی اقداماتی را جهت تأمین امنیت بزه‌دیده انجام می‌دهد. پس از بازدید و بررسی مرکز بهزیستی از محل زندگی خانواده، مشخص می‌شود پدر بزه‌دیده دارای اعتیاد است، وضعیت منزل ایشان شرایط نامناسبی دارد و خانواده از لحاظ موقعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در مرتبه نامناسب قرار دارند. بر این اساس، پیشنهاد مددکاری بدین صورت است که: ۱. بزه‌دیده برای ادامه تحصیل به مدرسه شبانه‌روزی فرستاده شود. ۲. نه ماه اقامت دائم در خوابگاه داشته باشد. ۳. اگر شرایط مهیا بود، نزد خانواده برگردد. در غیر این صورت، در مدت تعطیلات نیز در مرکز خوابگاه شبانه‌روزی بهزیستی پذیرش شود». بر اساس ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، دو مورد از شرایط لازم برای اعطای سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به درخواست‌کنندگان، تمکن مالی و عدم اعتیاد به مواد مخدر است. این درحالی است که سرپرست خانواده مذکور فاقد این دو شرط بوده است. حتی پس از بازدیدهای سالانه بهزیستی از وضعیت فرزندخوانده و با وجود مشاهده شرایط نامناسب وی، از پدرخوانده سلب سرپرستی نشده است.

در پرونده شماره ۳، متهم که دختری دوازده ساله است، از جانب برادر ناتنی خویش مورد تجاوز واقع شده است. واحد مددکاری مجتمع شوق زندگی، در اولین اقدام، مادر و بزه‌دیده و برادر کوچک و تنی وی را به بهزیستی منتقل می‌کنند. این اقدام به این دلیل است که منزل پدر، برای بزه‌دیده و مادر مکان امن محسوب نمی‌شود؛ زیرا بزه‌دیده در غیبت والدین، از طرف برادر ناتنی خود مورد آزار و تجاوز قرار گرفته و پس از آن نیز متهم، قربانی را تهدید کرده که در صورت افشا مسئله، او را خواهد کشت. هم‌چنین، بدرفتاری‌های پدر بزه‌دیده به حدی بوده که وی پس از اطلاع از ماجرای تجاوز و بارداری دخترش، بزه‌دیده و مادر را تهدید کرده که در صورت شکایت، بزه‌دیده را به بیابان برده، پس از وضع حمل ابتدا، بچه و سپس، بزه‌دیده را می‌کشد. بدین ترتیب، اولین اقدام مهمی که مجتمع شوق زندگی برای حفظ جان و امنیت بزه‌دیده انجام می‌دهد، جدا کردن محل زندگی او از برادر (متهم) و پدر او و مراقبت از او در برابر تهدیدات آن‌ها است. از این رو، بزه‌دیده به همراه مادر و برادر کوچک به خانه امن منتقل می‌شوند.

مسئله بسیار مهمی که در رویکردهای مداخله‌محور باید مورد توجه قرار گیرد، تداوم



حمایت‌ها و ایجاد امنیت پایدار برای بزه‌دیده است. در بسیاری از موقعیت‌ها در مراحل دادرسی، اگر کنترل و نظارت کافی بر نیازمندی‌ها و شرایط بزه‌دیده اعمال نشود، امکان وقوع اقسام تهدیدها نسبت به او وجود دارد (آشوری و خدادی، ۱۳۹۰: ۲۰). این امر در اقدامات مجتمع شوق زندگی به‌وضوح دیده می‌شود. در پرونده شماره ۱، پس از انتقال بزه‌دیده به بهزیستی، اقداماتی مانند مصاحبه با مددجو و مادر، بازدید از منزل و مشاوره تیم تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی انجام می‌شود. بر این اساس، دو مورد از دستورات واحد مددکاری مجتمع شوق زندگی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مددکار و روانشناس به مدت ۲ ماه وضعیت مددجو را بررسی کنند.

۲. مددجو به مدت دو ماه و در هر ماه، یک نوبت جهت بررسی وضعیت در دادسرا حضور پیدا کند.

همانطور که روشن است، این دستورات در جهت تداوم پیگیری و بررسی وضعیت مددجو داده شده است. هدف از پیگیری‌های مداوم، اطمینان از شرایط زندگی بزه‌دیده می‌باشد که مهم‌ترین آن، فراهم بودن امنیت جسمانی اوست.

در پرونده شماره ۲، پس از انتقال بزه‌دیده به مدرسه شبانه‌روزی، مددکاران مجتمع شوق زندگی هشت مرتبه وضعیت بزه‌دیده را در مکان جدید بررسی می‌کنند. این پیگیری‌ها به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد. در فرض اول، مددکار به صورت مستقیم با بزه‌دیده تماس می‌گیرد تا از شرایط مدرسه و وضعیت درسی او پرس‌وجو شود. در حالت دوم، مددکار و روانشناس به خوابگاه مدرسه مراجعه و با مددجو صحبت می‌کنند تا از وضعیت او مطلع شوند. در فرض سوم نیز با مدیر مدرسه تماس گرفته می‌شود تا از وضعیت جسمی و روحی بزه‌دیده اطلاع حاصل شود.

در پرونده شماره ۳، پس از درخواست بزه‌دیده و مادر و تمایل ایشان به خروج از خانه امن، چندین جلسه مشاوره، خدمات درمانی و روان‌پزشکی و سایر آموزش‌ها و مهارت‌های لازم به آن‌ها ارائه و سپس، با ترخیص ایشان موافقت می‌شود. پس از آن، بزه‌دیده به همراه مادر و برادر، در منزل خود واقع در یک باغ‌سکنی داده می‌شوند. علت این موافقت آن است که از یک‌سو، مددکاران مجتمع اطمینان حاصل می‌کنند عامل خطر برای بزه‌دیده در منزل وجود ندارد؛ زیرا پدر و برادر بزه‌دیده متواری شده‌اند و از سوی دیگر، از صاحب باغ تعهد گرفته می‌شود که در صورت بازگشت پدر و برادر، از ورود آن‌ها ممانعت کرده و امنیت بزه‌دیده، مادر و برادر را تأمین کند. علاوه بر آن، به کلانتری محل نیز نامه داده می‌شود که در صورت ایجاد مزاحمت برای بزه‌دیده از سوی پدر و برادر، اقدامات لازم را انجام دهند. در این پرونده نیز هم‌چون پرونده‌های پیشین، پیگیری‌های پس از ترخیص جهت اطلاع از وضعیت بزه‌دیده ادامه می‌یابد.



جدول ۲- شبکه مضامین در مداخلات امنیتی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
تأمین امنیت	پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی پیشگیری از جرایم علیه عدالت	جداسازی بزه‌کار و بزه‌دیده جداسازی طفل از مرتکب انتقال به بهزیستی انتقال به مدرسه شبانه‌روزی انتقال به خوابگاه مدرسه انتقال به خوابگاه بهزیستی انتقال به خانه امن مشاوره تیم تخصصی روان‌شناس و روانپزشک

مداخلات درمانی

مداخلات درمانی در دو قالب حمایت پزشکی و عاطفی مطرح می‌شود.

حمایت پزشکی: اقدامی در راستای درمان آسیب‌های جسمانی و روانی

مداخلات درمانی در مجتمع شوق زندگی به دو دسته حمایت‌های پزشکی و حمایت‌های عاطفی تقسیم می‌شود. حمایت‌های پزشکی ممکن است در درمان‌های فوری و اورژانسی ضرورت یابد. این دسته از درمان‌ها به‌واسطه آسیب جسمانی وارد بر بزه‌دیده بی‌درنگ از سوی پزشک انجام می‌گیرد. نوع دیگر حمایت پزشکی، درمان عادی یا درمان پزشکی عمومی است. این نوع درمان‌ها به‌ویژه در خشونت‌های خانگی و کودک‌آزاری اهمیت فراوان دارد. سرانجام، سومین نوع حمایت پزشکی (در چارچوب درمان فوری یا عادی) مداوای آسیب‌های روانی حاصل از جرم ارتكابی است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹). آسیب‌های روانی اختلالاتی است که در روح و روان بزه‌دیده ایجاد می‌شود و او را از سلامت روانی خارج می‌کند. در چنین مواردی، بزه‌دیده بیمار تلقی و نسبت به درمان وی اقدامات پزشکی اتخاذ می‌شود (خدادادی و افتخار، ۱۳۹۵: ۱۳۳). این دسته از آسیب‌ها ممکن است نیاز به دارودرمانی داشته باشد که زیر نظر روانپزشک انجام می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۸۹). بررسی پرونده‌های مدنظر این پژوهش نیز پیگیری روند حمایت‌های پزشکی و درمان بزه‌دیده را از سمت مجتمع شوق زندگی نشان می‌دهد.

در پرونده شماره ۱، بزه‌دیده به‌واسطه تجاوزی که از سمت پدر نسبت به او صورت پذیرفت، دو بار اقدام به خودکشی کرد. در همین راستا، مجتمع شوق زندگی در نخستین گام، بزه‌دیده را به بیمارستان ارجاع داد تا اقدامات لازم جهت بهبود افکار خودکشی صورت گیرد. طی این اقدام،

علمنامه
پژوهش‌های
شناخت‌پژویی



بزه‌دیده تحت روند دارودرمانی قرار گرفت و فرایند درمانی بزه‌دیده توسط مددکاران مجتمع پیگیری شد. پس از ترخیص بزه‌دیده از بیمارستان نیز وی به واسطه شرایط اورژانسی و نیاز به درمان در مرکز بهزیستی ده دی مشهد پذیرش شد. طی حضور بزه‌دیده در بهزیستی نیز جلسات متعدد روانشناختی جهت بهبود افکار خودکشی برگزار شد. همچنین، بزه‌دیده جهت بررسی وضعیت روانی به مؤسسه دختران آفتاب معرفی و جلسات درمان جهت پیگیری از افکار خودکشی، کاهش اضطراب، تنظیم خلق و درمان افسردگی برگزار شد. همچنین، طی روند درمان بزه‌دیده، وضعیت او از سوی مددکاران مجتمع پیگیری شد. این پیگیری‌ها نشان داد که بزه‌دیده پس از گذراندن روند درمانی، در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است.

در پرونده شماره ۲، بزه‌دیده که از سوی برادر ناتنی خود مورد تجاوز قرار گرفته و به همین دلیل، برای حفظ امنیت و ادامه تحصیل به مدرسه شبانه‌روزی منتقل شده بود، در هفته اول اقامت خود در خوابگاه مدرسه، علایمی از افسردگی را بروز داد. در همین راستا، روانپزشک به مدرسه مراجعه کرد و در سه نوبت نسبت به برگزاری جلسات درمانی اقدام نمود. بررسی پیگیری‌های صورت پذیرفته پس از جلسات نشان داد که بزه‌دیده در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است.

در پرونده شماره ۳، بزه‌دیده که در اثر تجاوز از سمت برادر ناتنی باردار شده بود، در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۱ وضع حمل کرد. بلافاصله پس از وضع حمل بزه‌دیده، از سوی مجتمع شوق زندگی با مددکاری بیمارستان تماس برقرار و تأکید شد که به دلیل نامشروع بودن فرزند و عدم توانایی مادر در نگهداری از وی، فرایند جداسازی فرزند از مادر جهت انتقال نوزاد به بهزیستی انجام شود و مادر با فرزند مواجه نگردد. به رغم تأکید مذکور، فرایند جداسازی انجام نگرفت و میان مادر و فرزند ارتباط عاطفی برقرار شد. با این حال، پس از مدتی، بزه‌دیده به جهت عدم توانایی در نگهداری از نوزاد خویش، درخواست انتقال وی به بهزیستی را مطرح کرد و در همین راستا، نوزاد به بهزیستی منتقل شد. انتقال نوزاد به بهزیستی موجب شد تا بزه‌دیده با آسیب‌های روحی و روانی شدید مواجه شود و به همین علت، علاوه بر ویزیت روانپزشک، جهت پیگیری روند درمان روانی به بیمارستان ابن سینا معرفی شد.



جدول ۳- شبکه مضامین در مداخلات پزشکی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
درمان بزه‌دیده	کاهش آسیب‌های جسمی جرم کاهش آسیب‌های روانی جرم	روان‌درمانی دارودرمانی بستری در بیمارستان پذیرش در مرکز بهزیستی معرفی به مؤسسه دختران آفتاب جلسات روان‌پزشکی در واحد مددکاری حضور روان‌پزشک در مدرسه

حمایت عاطفی: اقدامی در راستای تسکین درد و رنج‌های عاطفی

نوع دیگر حمایت که در فرایند کودک‌آزاری مجتمع شوق زندگی مدنظر قرار می‌گیرد، حمایت عاطفی است. در پرونده شماره ۱، به علت نیاز بزه‌دیده به حمایت‌های عاطفی، پس از انتقال او به مرکز بهزیستی ده دی مشهد، جلسات مشاوره‌ای با روانشناس برگزار شد. همچنین، پس از ترخیص وی از بهزیستی، بنا شد مددکار و روانشناس به مدت دو ماه، ماه نخست به صورت هفته‌ای و در ماه دوم برای یک مرتبه وضعیت بزه‌دیده را بررسی و پایش کنند. بدین منظور، بزه‌دیده جهت پیگیری‌های فوق به بهزیستی مشهد معرفی و مقرر شد گزارش پیگیری‌های صورت گرفته در پایان هر ماه به معاونت دادستانی ناحیه ۵ مشهد (مجتمع شوق زندگی) ارسال شود. جهت ارسال دقیق گزارش‌ها، به کنش‌گران بهزیستی تفهیم شد که عدم ارسال گزارش به منزله استتکاف از دستور مقام قضائی است. در نظر گرفتن ضمانت اجرا و نظارت بر پیگیری‌های روان‌شناختی، روند درمان و توانمندسازی بزه‌دیده را سرعت می‌بخشد. پس از ترخیص بزه‌دیده از بهزیستی، جلسات مشاوره در خصوص توانایی حل مسئله و کنترل خشم برگزار شد و از طریق برقراری تماس تلفنی، وضعیت خانوادگی و فردی بزه‌دیده پیگیری شد. در این پرونده، بزه‌دیده به مؤسسه دختران آفتاب مشهد معرفی و جلسات متعدد مشاوره جهت بهبود وضعیت روحی و روانی او برگزار شد.

بررسی پرونده شماره ۲ نیز نشان می‌دهد که حمایت‌های عاطفی مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، پس از ترخیص بزه‌دیده از بهزیستی، تماس‌های مکرر جهت بررسی وضعیت روانی وی برقرار شد. همچنین، روانشناس و مددکار به صورت حضوری به مدرسه مراجعه کردند تا از وضعیت سلامت روانی بزه‌دیده آگاه شوند. طی ملاقات حضوری با بزه‌دیده، جلسات مشاوره در خصوص آسیب‌های اجتماعی و مهارت‌های برقراری ارتباط موثر برگزار شد. همچنین، پس از

فصلنامه
پژوهش‌های
شناختی-تربیتی
جرم‌شناسی



آن که سرپرست بزه‌دیده در اوایل سال ۱۴۰۲ فوت کرد و مقرر شد بزه‌دیده جهت اقامت به منزل مادر بزرگ خود واقع در شهر بیرجند منتقل شود، جلسات متعدد روان‌شناسی برگزار شد تا علاوه بر بررسی وضعیت سلامت روانی، راهکارهای لازم جهت کنترل استرس و افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی ارائه شود. در ادامه نیز هماهنگی‌های لازم با بهزیستی شهرستان بیرجند صورت گرفت تا روند درمان بزه‌دیده در آن‌جا نیز ادامه یابد.

در پرونده شماره ۳ نیز بزه‌دیده پس از اقامت در بهزیستی، در جلسات مختلف روانشناختی شرکت کرد. همچنین، پس از ترخیص وی نیز مقرر شد تا علاوه بر معرفی بزه‌دیده به بهزیستی جهت دریافت خدمات مشاوره، مددکاران به مدت دو ماه سلامت روانی او را بررسی کنند. به همین جهت، پس از ترخیص، مددکاران مرکز بهزیستی خانه امن مشهد در نوبت‌های متعدد با مادر بزه‌دیده تماس گرفته و وضعیت سلامتی وی را جویا شدند. همچنین، پس از وضع حمل نیز خدمات مشاوره‌ای در راستای ارتباط درمانی با بزه‌دیده برگزار شد.

جدول ۴- شبکه مضامین در مداخلات عاطفی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
درمان عاطفی	حق بر شنیده شدن حق بر سلامت روان	جلسات روان‌شناسی بازدید و پایش وضعیت بزه‌دیده معرفی به مؤسسه دختران آفتاب جلسات مشاوره حضور روان‌شناس و مددکار در مدرسه افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی

مداخلات اقتصادی

گونه دیگر از مداخلات مجتمع شوق زندگی در فرایند حمایت از بزه‌دیده کودک و نوجوان، مداخلات اقتصادی است. مداخلات اقتصادی در مجتمع شوق زندگی بر اساس پرونده‌های مورد مطالعه به دو گونه مهم تقسیم می‌شود. گونه نخست، مداخلات معیشتی در راستای ترمیم آثار ناشی از جرم است. در حقیقت، این شکل از مداخلات، آن دسته از آسیب‌ها و آثاری را شامل می‌شود که از رفتار مجرمانه سرچشمه می‌گیرند؛ به عنوان مثال، در پرونده شماره ۳ که بزه‌دیده در اثر تجاوز باردار شد، کمک‌های مالی از سمت مجتمع شوق زندگی جهت پرداخت هزینه‌های زایمان و بستری در بیمارستان صورت پذیرفت. این نوع از مداخلات معیشتی در مجتمع شوق زندگی را می‌توان معادل «حمایت مالی» تلقی کرد.



گونه دوم از مداخلات معیشتی در مجتمع شوق زندگی، مداخله در راستای بهبود وضع معیشتی بزهدیده و خانواده وی است. در حقیقت، این گونه از مداخلات، کمک‌های مالی معیشتی جهت بهبود وضعیت اقتصادی بزهدیده و خانواده او را شامل می‌شود. این نوع مداخله قلمرو گسترده‌تری نسبت به حمایت‌های موجود در گونه نخست را شامل می‌گردد، به این دلیل که گونه دوم از مداخلات معیشتی، محدود به ترمیم آثار ناشی از جرم نیست و هرگونه مشکل اقتصادی بزهدیده یا خانواده وی را شامل می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، در پرونده شماره ۱، بن خرید کالا به‌واسطه مشکلات اقتصادی خانواده بزهدیده در اختیار آن‌ها قرار گرفت. در پرونده شماره ۳ نیز جهت بهبود وضعیت معیشتی خانواده بزهدیده، پیگیری‌های لازم برای تأمین شغل مادر قربانی از سمت مجتمع صورت گرفت. مصادیق مذکور نشان می‌دهد که در مجتمع شوق زندگی حمایت‌های اقتصادی نه تنها در راستای جبران خسارات ناشی از جرم صورت می‌گیرد، بلکه معاش و گذران زندگی بزهدیده را نیز شامل می‌شود. یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی بزهدیدگی کودکان، وضعیت اقتصادی نابسامان خانواده‌ها است (شیشه‌گران و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۴۷۷). در چنین شرایطی، حمایت از وضعیت معیشتی خانواده اقدام مهم در راستای توانمندسازی بزهدیده و پیشگیری از بزهدیدگی مکرر محسوب می‌شود.

جدول ۵- شبکه مضامین در مداخلات اقتصادی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
حمایت اقتصادی	عدالت اقتصادی پیشگیری از بزهدیدگی پیامدهای جرم	پرداخت هزینه‌های بستری در بیمارستان پرداخت هزینه‌های زایمان کمک‌های مالی کمک‌های معیشتی بن خرید کالا تأمین شغل سرپرست بزهدیده

مداخلات قضایی

در مجتمع شوق زندگی و در حوزه جرایم جنسی، علاوه بر انجام مداخلات امنیتی و درمانی، پس از مشاوره با وکیل و تأیید معاون دادستان، اعلام جرم صورت می‌گیرد.^۱ از آنجا که موضوع

۱- سیاست افتراقی در قوانین داخلی به‌صورت جرم‌انگاری‌های خاص در حوزه حقوق و آزادی‌های کودکان یا به‌صورت تشدید مجازات جرایم علیه آن‌ها متجلی می‌شود؛ زیرا حقوق کیفری به‌عنوان منعکس‌کننده ارزش‌های بنیادین حاکم بر



پرونده‌های مورد بحث، جرایم جنسی است و جرایم جنسی در صلاحیت مستقیم دادگاه قرار دارد، دادسرای شوق زندگی در این پرونده‌ها تنها می‌تواند به دادگاه صالح اعلام جرم کند و صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست را ندارد.

در پرونده شماره ۱، پس از انجام مشاوره‌ها و اقدامات حمایتی متعدد و اطمینان از ثبات وضعیت بزه‌دیده، با مشورت و کیل و کسب موافقت معاون دادستان، با استناد به دلایلی همچون گزارش اورژانس اجتماعی، گزارش مددکاری و واحد سرپرستی دادسرای ناحیه ۵، گزارش پزشکی قانونی، گزارش واحد مددکاری مرکز شبه‌خانواده، مرکز درمانی بیمارستان و مؤسسه نیکوکاری سرزمین آفتاب و اظهارات بزه‌دیده و مادر، برای مجرم اعلام جرم صورت گرفت. در این پرونده، اعلام جرم بر اساس بند الف و ت ماده ۲۲۴ (زنا با محارم نسبی و زنا به عنف و اکراه) و ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی و بند ب ماده ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان انجام شده است.

در پرونده شماره ۲، پیشنهادات مجتمع شوق زندگی برای رسیدگی قضایی شامل چند مورد می‌شود. ابتدا، برای برادرخوانده که مرتکب جرم تجاوز شده، بر اساس ماده ۲۲۱ (زنا)، بند ت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی (زنا به عنف و اکراه) و بند ۲ ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اعلام جرم می‌شود. علاوه بر آن، جهت جبران خسارات بزه‌دیده، مهرالمثل یا ارزش البکارت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. حمایت قضایی از بزه‌دیده در برابر پدرخوانده و مادرخوانده وی نیز در بند پ ماده ۹ حمایت از اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است؛ زیرا عدم مراقبت از کودک و سهل‌انگاری در محافظت از او از سوی پدرخوانده و مادرخوانده، موجب قربانی شدن بزه‌دیده از جانب برادرخوانده شده است. همچنین، پیشنهاد سلب حضانت بر اساس ماده ۴۲ قانون مورد اشاره درخواست شد.

در پرونده شماره ۳، بزه‌دیده پس از آنکه مورد تجاوز قرار گرفت، از سوی برادر و پدر خود تهدید به قتل شد. با این حال، چون جرایم جنسی در صلاحیت مستقیم دادگاه است، علاوه بر اتهام تجاوز به عنف، جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی نیز در اعلام جرم ذکر گردید. همچنین، عدم اعلام جرم و عدم حمایت از بزه‌دیده از ناحیه پدر، او را مشمول ماده ۱۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان کرد. بر اساس این ماده، هر کس از وقوع جرم یا شروع به آن یا خطر شدید و قریب الوقوع علیه طفل یا نوجوانی مطلع بوده یا شاهد وقوع آن باشد و با وجود

جامعه، علاوه بر نقش آموزشی- فرهنگی که در تقبیح برخی از رفتارها دارد، می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده و پیشگیرانه در ارتکاب برخی رفتارها ایفای نقش کند. در همین راستا و در جهت حمایت از اطفال، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، قوانین حمایتی بیشتری را برای بزه‌دیدگان مشمول این قانون که تمام افراد زیر ۱۸ سال را در برمی‌گیرد، پیش‌بینی کرده است.



توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیتدار و کمک طلبیدن از آنها، از این امر خودداری کند یا در صورت عدم دسترسی به این مقامات و مراجع و یا عدم تأثیر دخالت آنها در رفع تجاوز و خطر، از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع کند، مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر و یا خطر کمتر قابل توجهی متوجه خود او یا دیگران نشود، به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.^۱

جدول ۶- شبکه مضامین در مداخلات قضایی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
حمایت کیفری	وظایف دادستان سیاست تسامح صفر	مشورت با وکیل جمع‌آوری مستندات پزشکی قانونی معاضدت قضایی اعلام جرم وکیل افتخاری صدور کیفرخواست توجه به جبران خسارات بزده‌دیده در قالب مهرالمثل و ارش‌البکارت

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مجتمع شوق زندگی در چهار قلمروی امنیتی، درمانی، اقتصادی و قضایی از کودکان حمایت می‌کند. در پرونده‌های مورد مطالعه، حمایت‌های امنیتی به صورت جداسازی مکان زندگی بزده‌دیده از متهم و حفاظت از وی در برابر تهدیدات بزه‌کار از طریق انتقال به بهزیستی، انتقال به مدرسه شبانه‌روزی و انتقال به خانه امن انجام می‌شود. مداخلات درمانی در دو بخش حمایت پزشکی و عاطفی با انتقال به بیمارستان و دارودرمانی، برگزاری جلسات متعدد مشاوره، روان‌شناسی و روان‌پزشکی و همچنین، ارجاع به مؤسسات مردم‌نهاد مستقر در مجتمع صورت می‌پذیرد. کمک‌های مالی برای پرداخت هزینه‌های لازم، اهدای بن خرید کالا و تأمین شغل برای سرپرست کودک مهم‌ترین جلوه‌های مداخله اقتصادی است. حمایت‌های قضایی

 فصلنامه
پژوهش‌های
شناخت‌پژویی
جرم

^۱ - لازم به ذکر است که هر سه پرونده مطرح‌شده در این پژوهش، در دادگاه صالح در حال رسیدگی هستند. با توجه به مداخله‌های بزده‌دیده‌محور به عنوان موضوع تحقیق حاضر، محکومیت یا برائت متهمان، خللی به یافته‌های این مقاله وارد نمی‌کند.



نیز به عنوان چهارمین شکل مداخله حمایتی، در قالب منع ملاقات موقت کودک با متهم، تعیین و کیل برای بزه‌دیده و اعلام جرم علیه متهم انجام می‌شود.

مداخله در بحران پس‌از دیدگی از طریق بهره‌گیری از یک الگوی حمایتی چندگانه، به‌ویژه در خصوص کودک یا نوجوان آزاردیده نسبت به سایر بزه‌دیدگان، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا این دسته از بزه‌دیدگان به‌واسطه شرایط بدنی، روانی و شخصیتی متمایز از بزرگسالان در برابر بزهکاری آسیب‌پذیرتر هستند. گستره این آسیب‌پذیری تا حدی می‌تواند باشد که در خصوص کودک یا نوجوان آزاردیده، جابه‌جایی نقش بزه‌دیده-بزهکار صورت پذیرد. در این خصوص، یافته‌های علم روانشناسی اجتماعی اثبات کرده است که تحقیر افراد ممکن است از طریق انتقام پاسخ داده شود. کودک آزاری و تجاوز به کودکان یا نوجوانان را نیز می‌توان گونه‌ای از تحقیر محسوب کرد. در حقیقت، جرم تجاوز به‌واسطه برخورداری از نمادهایی مانند هژمونی مردانه، اجبار و نگاه ابرازی به زنان می‌تواند احساس حقارت را در بزه‌دیده ایجاد کند. در چنین شرایطی، بزه‌دیدگان به‌ویژه کودکان و نوجوانان آزاردیده که از توانایی کمتری جهت کنترل و ترمیم آثار ناشی از بزه‌دیدگی برخوردار هستند، ممکن است بذل انتقام را درون خود پرورش داده و به سمت بزهکاری گرایش پیدا کنند. از سوی دیگر نیز کودک یا نوجوان بزه‌دیده ممکن است در اثر آسیب روانی شدید ناشی از جرم تجاوز، اقدام به خودآزاری یا حتی خودکشی کند.

در مجموع، مجتمع شوق زندگی مشهد را می‌توان یکی از نمونه‌های موفق در حمایت از بزه‌دیدگان با استفاده از مدل سیاست جنایی مشارکتی دانست. کارایی سیاست جنایی مشارکتی در مجتمع شوق زندگی نشان می‌دهد که بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند در حمایت از بزه‌دیدگان بسیار موثر باشد. بدین ترتیب، موفقیت سیاست جنایی مشارکتی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، سیاست جامع‌وی را به‌عنوان یکی از الزامات مهم و موثر در راستای حمایت و جبران خسارات بزه‌دیده به تصویر می‌کشد. با وجود تأکید قانونگذار در خصوص بهره‌گیری از سیاست جنایی مشارکتی جهت حمایت از کودکان و نوجوانان در ماده ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، این مهم در عمل با موفقیت چندانی همراه نبوده است. باین حال، به‌نظر می‌رسد مجتمع شوق زندگی را می‌توان به‌عنوان الگوی موفق قضایی در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده معرفی کرد. الگوبرداری از مجتمع شوق زندگی مشهد در سطح کشور و افتتاح مجتمع‌هایی با همین نام در شهرهایی مثل تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، زاهدان، بندرعباس و گرگان مؤید این ادعا است.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش الارد و کمپبل (۲۰۲۰) که آشکار کرد قربانیان جرم نیازها و تجربیات متفاوتی دارند که رویکردهای حمایتی باید این نیازها را مورد توجه قرار دهند، هم‌سو است؛ به‌نحوی که بررسی پرونده‌های مدنظر پژوهش حاضر اثبات کرد که هر یک از



بزه‌دیدگان با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی مختص به خویش، نیازمند گونه‌های مختلفی از حمایت هستند که هر یک از گونه‌ها نیز از رهگذر اقدامات متفاوتی انجام می‌پذیرد. به همین واسطه، پژوهش حاضر در مقام نتیجه‌گیری، اتخاذ یک «الگوی حمایتی چندگانه» را پیشنهاد داد.

همچنین، در خصوص برخی یافته‌های جزئی‌تر نیز بررسی پرونده‌های مدنظر این پژوهش همانند پژوهش رایجیان اصلی و رزاقی (۱۴۰۰) نقش فعال بزه‌دیده در اعلام بزه‌دیدگی را اثبات کرد؛ به نحوی که در پرونده‌های شماره یک و دو، این بزه‌دیدگان بودند که در ابتدا، از رهگذر اطلاع به خانواده خود موجب شدند تا جرم ارتكابی علیه آن‌ها کشف گردد. این مسئله اثبات می‌کند که اگر سازوکارهای رسمی مناسبی در جهت شنیده شدن اظهارات کودکان اتخاذ شود، رقم سیاه جرایم علیه این گروه از بزه‌دیدگان کاهش خواهد یافت. به‌علاوه، بررسی پرونده‌های مدنظر پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش کش مور و شکیل (۲۰۱۴) در خصوص وجود رابطه خویشاوندی میان بزه‌کار و بزه‌دیده در جرایم جنسی هم‌سو است. همچنین، به لحاظ آثار روان‌شناختی جرایم جنسی نیز داده‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق مرکز پیشگیری از جرایم بین‌المللی (۱۹۹۹) و تحقیق فلک و کانگا (۱۳۹۳) هماهنگ است.

پیشنهادها

۱. با توجه به آنکه هر یک از بزه‌دیدگان با توجه به مشخصات شخصیتی و خانوادگی خود، نیازمند گونه‌های مختلفی از حمایت هستند، شایسته است «الگوی حمایتی چندگانه» نسبت به هر بزه‌دیده با توجه به آسیب واردشده از جرم و بر اساس نیاز او پیش‌بینی و اتخاذ شود.
۲. از آنجا که مجتمع شوق زندگی را می‌توان به عنوان الگوی موفق قضایی در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده معرفی کرد، لازم است از نحوه عملکرد این مجتمع در سطح کشور الگوبرداری شود و در سایر شهرها نیز مجتمع‌هایی افتتاح و الگوی حمایتی از بزه‌دیده در آن‌ها اجرا شود.
۳. جهت تحقق بهتر حمایت‌های گوناگون از بزه‌دیده، بسترهای مناسب برای همکاری‌های بیشتر میان سمن‌ها و نظام عدالت کیفری جهت اجرای یک سیاست جنایی مشارکتی در حمایت از بزه‌دیده فراهم شود.
۴. جداسازی بزه‌کار و بزه‌دیده، جداسازی طفل از مرتکب، انتقال به بهزیستی، انتقال به مدرسه شبانه‌روزی، انتقال به خوابگاه مدرسه، انتقال به خوابگاه بهزیستی، انتقال به خانه



امن، مشاوره تیم تخصصی روان‌شناس و روانپزشک و بازدید از وضعیت سکونت بزه‌دیده برخی از مهم‌ترین راهبردهای حمایتی در زمینه تأمین امنیت بزه‌دیده است.

۵. پرداخت هزینه‌های بستری در بیمارستان، پرداخت هزینه‌های درمانی، کمک‌های مالی، کمک‌های معیشتی، بن خرید کالا و تأمین شغل سرپرست بزه‌دیده برخی از مهم‌ترین رویکردهای عدالت اقتصادی است که پیشنهاد می‌شود در پهنه حمایت اقتصادی از بزه‌دیده مدنظر قرار گیرد.

۶. جلسات روان‌شناسی، بازدید و پایش وضعیت بزه‌دیده، معرفی به سمن‌ها، جلسات مشاوره، حضور فعال روان‌شناس و مددکار، افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی و ارتباط‌درمانی برخی از مهم‌ترین سازوکارهای حمایتی است که در حمایت عاطفی ضروری است.

سپاسگزاری

از سرپرست محترم دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ مشهد (مجتمع شوق زندگی) که برای حضور در مجتمع و دسترسی به پرونده‌های مورد نیاز برای انجام پژوهش نهایت همکاری را مبذول داشته‌اند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌شود.



منابع

- آبروشن، هوشنگ. (۱۳۸۴). *کودک‌آزاری و راه‌های مقابله با آن*. چاپ اول، تهران: آریان.
 - آشوری، محمد، و خدادی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). حقوق بنیادین بزهدیده در فرایند دادرسی کیفری. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۸(۲)، ۳-۳۶.

https://cld.razavi.ac.ir/article_833.html

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۲). مدل‌های مدیریت بزهدکاری کودکان و نوجوانان با تاکید بر نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون عدالت کیفری کودکان و نوجوانان فرانسه. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۳(۱)، ۱-۲۰.

https://jqclcs.ut.ac.ir/article_95919.html

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۲). تحولات حقوق کیفری اطفال در فرانسه در پرتو قانون عدالت کیفری اطفال و نوجوانان، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۲۶(۱۰۲)، ۱۶۷-۱۸۸.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_103390.html

- باقری، نفیسه، عظیم‌زاده، شادی، مهرا، نسرین، و مهدوی ثابت، محمدعلی. (۱۴۰۲). ضرورت حمایت حداکثری از بزهدیدگان جنسی زیر ۱۸ سال و چالش‌های ناظر بر آن با تاکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۱(۲۱)، ۱۹۵-۲۳۱.

https://jclcs.sdil.ac.ir/article_163997.html

- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۸۳). *اندیشه حمایت از بزهدیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران*، مندرج در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران: سمت.

- خدادی، ابوالقاسم، و افتخار، مریم. (۱۳۹۵). بازتوانی بزهدیده در پرتو بزهدیده‌شناسی بالینی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۵(۱۷)، ۱۲۷-۱۵۴.

https://jclr.atu.ac.ir/article_7122.html

- رایجیان اصلی، مهرداد، و رزاقی موسوی، سید سجاد. (۱۴۰۰). ارائه دیدگاه‌ها-نگرانی‌ها و مشارکت در فرایند کیفری به مثابه حق شنیده شدن کودکان بزهدیده: با رویکردی تطبیقی به اسناد بین‌المللی و سامانه حقوقی ایران. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۲(۲)، ۱۵۹-۱۸۴.

https://jol.guilan.ac.ir/article_5197.html

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). *بزهدیده‌شناسی حمایتی*، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
 - شیشه‌گران، مریم و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۷). بررسی بزهدیده‌شناختی کودکان کار. *قانون یار*، ۲(۸)، ۴۷۷-۵۰۶.

<https://civilica.com/1/39669/>

- صبوری پور، مهدی، و موسوی، پوریا. (۱۴۰۲). *حقوق کیفری عمومی اطفال و نوجوانان*، چاپ اول، تهران: میزان.

فصلنامه
پژوهش‌های
شناختی-تربیتی
جرم‌شناسی



عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخزاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

https://journals.isu.ac.ir/article_163.html

فلک، ویلیام، و کانگا، میشل. (۱۳۹۳). *بزه‌دیدگی جنسی (ترجمه: علی افراسیابی)*. مقاله در: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم. جلد دوم، تهران: نشر میزان.

محمدی مقدم، یحیی، داداش نژاد، داوود، براتی، مرتضی، و حسنی، محمدحسن. (۱۴۰۲). *حمایت‌های پلیس از بزه‌دیدگان در سیاست جنایی تقنینی ایران. پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۴(۱۳)، ۳۱-۵۸.

http://cr.jrl.police.ir/article_102461.html

- Beckett, H., & Warrington, C. (2014). *Suffering in silence: children and unreported crime*. Victim Support/University of Bedfordshire.

<http://hdl.handle.net/10547/621856>

- Centre for International Crime Prevention (United Nations), & United States. Office of Justice Programs. Office for Victims of Crime. (1999). *Handbook on Justice for Victims: On the Use and Application of the Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*. United Nations Office for Drug Control and Crime Prevention, Centre for International Crime Prevention.

- Ellard, R. & Campbell E. (2020). *Improving support for victims of crime: Key practice insights*. Centre for Innovative Justice, RMIT University.

- Cashmore, J., & Shackel, R. (2014). Gender differences in the context and consequences of child sexual abuse. *Current Issues in Criminal Justice*, 26(1), 75-104.

<https://doi.org/10.1080/10345329.2014.12036008>

-Nari H. D, Hoseini S H, Azimi R. Investigating the Causes of Harassment of Women in the Afghan Workplace Case Study of Loghman Hakim Hospital in Herat. *Iran Occupational Health* 2023; 20 (1) ,78-91

- Bennett, R. R., & Wiegand, R. B. (1994). Observations on crime reporting in a developing nation. *Criminology*, 32(1), 135-148.

<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1994.tb01149.x>

-Ilyasa, R. M. A. (2021). Legal and Victimological Perspective on Sexual Violence against Children Cases in Indonesia. *The Indonesian Journal of International Clinical Legal Education*, 3(3), 281-300.

<https://doi.org/10.15294/ijicle.v3i3.48269>